

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

بهرام رحمانی

۲۴ نومبر ۲۰۲۱

چهل و دومین جلسه دادگاه حمید نوری در ستهکلم!

چهل و دومین جلسه دادگاه حمید نوری، متهم به مشارکت در اعدام‌های تابستان ۶۷، روز سه‌شنبه ۲ آذر ۱۴۰۰ برابر با ۲۳ نومبر ۲۰۲۱ در ستهکلم آغاز شد. از امروز سه‌شنبه دوم آذرماه به‌مدت ۴ روز متهم حمید نوری در دادگاه استماع خواهد شد.

چهل و دومین جلسه دادگاه رسیدگی به اتهام‌های حمید نوری، دادیار پیشین زندان گوهردشت کرج و از متهمان اعدام‌های دسته‌جمعی زندانیان سیاسی در ایران، امروز اولین جلسه دفاعیات او با کمک وکلایش است.

نوری در ابتدای جلسه، به دفاع از خود پرداخت و با معرفی خود به عنوان «شهروند معمولی ۶۱ ساله» اتهامات مطرح شده را «داستان ساختگی»، «تهوع‌آور» و «مسخره» خواند اما تأیید کرد که در زندان اوین تهران مشغول به کار بوده و وعده داد که «از همکاران عزیزش» در طول مدتی که در اوین کار می‌کرده دفاع خواهد کرد. اتهامات وی مربوط به جنایاتی است که در زندان گوهردشت کرج صورت گرفته است.

حمید نوری، متهم به مشارکت در اعدام‌های تابستان ۶۷، در اولین جلسه دفاعیات خود در سالون ۳۷ دادگاه ستهکلم سویدن، شهادت شاهدان و شاکیان علیه خود در دادگاه سویدن را تأیید کرد و گفت که او همان حمید عباسی است و ناصرین (محمد مقیسه) رئیس او بوده است.

رئیس دادگاه به تأکید از حاضران در سالون‌های مختلف دادگاه خواست تا نظم دادگاه را رعایت کنند و در غیر این صورت از سالون اخراج خواهد شد. او گفت از خاطیان شکایت خواهد شد و جریمه هم خواهند شد. پس از این توضیح توماس ساندر، رئیس دادگاه، وکیل حمید نوری گفت که او می‌خواهد خودش ماجرا را روایت کند. او گفت که دو سال است از نوری سلب آزادی شده. قاضی گفت که روایت آزاد خوب است اما تأکید بر این است که این روایت مرتبط با موضوع باشد: «او می‌تواند زمینه‌ای را تعریف کند و صحبت‌هایش را مطرح کند. گفته‌های او به شکل صوتی و تصویری ضبط می‌شود.»

پس از سخنان قاضی، حمید نوری صحبت‌هایش را با نام خداوند حمید و مجید آغاز کرد، به همگی از جمله خانواده‌اش سلام کرد (سلام مخصوص به اعضای خانواده). او مدت طولانی به توضیح سلام کردنش پرداخت و این‌که در طول روزهای دادگاه به سویدنی به رئیس دادگاه سلام کرده است. حمید نوری سپس به توضیح نام‌های حمید و مجید پرداخت و ادعا کرد که این‌ها نام‌ها خدا هستند و این‌که حمید اوست و مجید پسرش ... او سپس گفت که نمی‌تواند مستقیم برود سراغ این «داستان تخیلی ساخته شده» و باید قبل از آن مقدماتی را بگوید. او سپس به توضیح شیوه بیان و عملش در

طول دفاع پرداخت و گفت که احتمالا صدایش بالا خواهد رفت و دست‌هایش را تکان خواهد داد که منظورش قطعا توهین به دادگاه خواهد بود.

او سپس دفاعش را به این ترتیب آغاز کرد که «من الان می‌خواهم پایه و فونداسیون دفاعم را بریزم ... ابتدای صحبت می‌خواهم پنج تشکر و یک خسته نباشید بگویم: تشکر اول از پروردگار عالم که سلامتی جسم و روح به من داده و من را انتخاب کرده که پس از ۳۳ سال نماینده ملت ایران باشم ...»

نوری سپس از رئیس دادگاه و بعد از اعضای هیات رئیسه دادگاه تشکر کرد. بعد از خانواده‌اش تشکر کرد و گفت که در این دو سال بسیار سختی کشیده و خانواده‌اش بیش‌تر سختی کشیده‌اند: «من دو خانواده دارم و خانواده دوم من ملت ۸۵ میلیونی ایران عزیز است. چه کسانی که در ایران هستند چه کسانی که در خارج از کشور هستند: ۸۵ میلیون ایرانی با شرف و عزتمند.» تشکر چهارم او از دو وکیلش است و تشکر پنجمش از دولت آلبانی: «به سهم خودم از این دولت تشکر می‌کنم که این افراد (اعضای سازمان مجاهدین خلق) را نگهداری می‌کند و به آنان آب و غذا می‌دهد. آن‌ها ۳۱ سال مهمان عراق بودند که در سال‌های آخر از آنان خوب پذیرائی شد و امیدوارم در آلبانی هم پذیرائی خوبی از آنان بشود.»

او که بر اساس روایت شاکیان در دوران اعدام‌ها، معاون دادیار سابق زندان گوهردشت بوده است، مدعی شد که از سال ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۷۲ در زندان اوین بوده و گزارش‌ها درباره اعدام‌های تابستان سال ۶۷ را «داستان سرتاسر خیالی، توهمی و پوشالی، جعلی و غیرمستند» خواند.

او در دادگاه خود را یک شهروند معمولی ایرانی معرفی کرد و اتهامات مطرح شده علیه خود را تهوع‌آور و مسخره خواند. او در عین حال گفت که در زندان اوین محمدحسین حسین‌زاده موحد، حاج‌آقا جواهریان (تاجر آهن) و حسن زارع دهنوی (قاضی حداد) روسای او بوده‌اند و در بخش‌های حسابداری و دادیاری زندان اوین مشغول به کار بوده است. قاضی حداد، قاضی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب و معاون امنیت دادستانی تهران یکی از آمران اعزام معترضان به بازداشتگاه کهریزک بود. به گفته حمید نوری سال ۶۴ تا اوایل سال ۶۷، قاضی حداد رئیس او بوده است و پس از آن تا سال ۷۰، ناصریان (محمد مقیسه) رئیس او بوده است.

این متهم کشتارهای ۶۷ در بخشی از دادگاه با سخنانی تسمخ‌آمیز گفت از کسانی که درباره بینی او حرف زدند، شکایت خواهد کرد و «در این دادگاه غوغا خواهد کرد.»

او همچنین مدعی شد دادستان ۲۳ نفر را از پرونده کنار گذاشته و گفت پای این ۲۳ نفر را به دادگاه خواهد کشاند. او در بخش دیگری از دادگاه گفت سال ۶۱ در جنگ ایران و عراق حضور داشته و برادرش نیز سال ۱۳۶۴ در جریان جنگ کشته شده است.

نوری: پس از بازگشت از جنگ در دادستان انقلاب اسلامی تهران کارش را شروع کرده است و «نگهبان بند آموزشگاه» بوده و در این بند نام عباس را برای خود انتخاب کرده بود و وظیفه‌اش دست‌شویی و هواخوری بردن، فرستادن به بهداری و دادگاه و بازپرسی زندانیانی بود که به گفته او برخی از آن‌ها در دادگاه حضور دارند. زندانیانی که حمید نوری اشاره دارد، شاکیان و شاهدان پرونده باز شده علیه او هستند.

این مقام سابق قضائی خود را در آن زمان فوق‌العاده خوش‌تیپ و احساساتی توصیف کرد و گفت در سال ۱۳۷۰ به دلیل نداشتن حقوق خوب از زندان استعفا داده اما تا سال ۷۲ یا ۷۳ هفته‌ای دو روز به زندان می‌رفته و همه کاری‌های هفته را در دو روز انجام می‌داده است.

او گفت که در این زمان ناصریان (محمد مقیسه) رئیس او در دادیاری زندان اوین بوده است: «در طول مدتی که اوین بودم کار مرخصی هزاران نفر را من انجام دادم، اما رئیس امضای نهائی را می‌کرد. یکی از افرادی که من زیاد کار مرخصی اش را انجام می‌دادم، در این سالون است.»

او گفت که «خدا او را انتخاب کرده که پس از ۳۳ سال نماینده ملت ایران باشد.» نوری اتهام جنایت جنگی و قتل عمد را «افترا به ملت ایران» خواند.

نوری گفت که در چهار روزی که به باید از خود دفاع کند «کار سختی» پیش رو دارد و «باید جواب ۳۳ سال دروغ» را بدهد. او گفت که در طول دفاعیات خود «رازهائی» را خواهد گفت که به گفته او «هیچ‌کس تا به حال نشنیده و واکنش خیلی‌ها را بر خواهند انگیزت.»

حمید نوری، متهم به مشارکت در اعدام‌های تابستان ۶۷، در اولین جلسه دفاعیات خود در سالون ۳۷ دادگاه ستکهلم سویدن، این اعدام‌ها را «داستان سرتاسر خیالی، توهمی و پوشالی، جعلی و غیرمستند» خواند. او گفت: «من این‌جا سخت‌ترین کار دنیا را باید انجام بدهم، این‌جا در طی ۴ روز باید به ۳۳ سال تهمت و دروغ علیه ایران جواب بدهم.»

نوری ادامه داد: «۲ سال است علیه من و ملت ایران در رسانه‌ها اخبار منتشر می‌شود و دادستان ۲۳ نفر از شهود را کنار گذاشته که آن‌ها برگ برنده‌اش هستند و پای همه آن‌ها را به دادگاه می‌کشد.»

او گفت، نماینده جمهوری اسلامی نیست، ولی چون به حمید نوری حمله شده و به شخصیت حقیقی حمید عباسی توهین شده، پس باید از شخصیت حمید نوری و حمید عباسی و همکارانش در زندان اوین دفاع کند.

حمید نوری در جلسه اول دفاعیاتش در «دادگاه جنایات جنگی» سویدن در ستکهلم گفت به مدت دو سال در کردستان علیه احزاب مخالف کرد جنگیده و پس از بازگشت به تهران در سال ۱۳۶۱ در زندان اوین به‌عنوان نگهبان مشغول به کار شد.

او گفت از سال ۱۳۷۰ به‌دلیل این‌که حقوق کمی دریافت می‌کردم، از کار استعفا کردم و یک کارخانه شن و ماسه تاسیس کردم. با این حال رئیس با استعفای من موافقت نکرد. نوری گفت: «برای خودم هم استعفا سخت بود، چون به زندانیان وابسته شده بودم.»

او روز سه‌شنبه، دوم آذر، در جلسه رسیدگی به اتهامات خود در این دادگاه مدعی شد که از سال ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۷۲ در زندان اوین بوده است.

نوری در ادامه گفت که برای دفاعش یک اسم انتخاب کرده: «نگاهی دیگر و نگاهی متفاوت اما واقعی و واقع‌بینانه، همراه با دلایل قوی و مستندات معتبر درباره یک نمایش‌نامه یا یک داستان توهمی، ساختگی و پوشالی، دروغین، غیرواقعی، جعلی و غیرمستند به نام کشتار ۶۷ و یا قتل عام زندانیان سیاسی و یا اعدام‌های سال ۱۳۶۷ در زندان‌های ایران، از زبان یکی از افرادی که نامش به هر دلیلی در این پروژه، یا این داستان، یا این نمایش‌نامه سرتاسر مضحک، مسخره و تهوع‌آور آمده است: یعنی، من، حمید نوری، حمید عباسی از سال ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۷۲ در زندان اوین ... والسلام ... حمید نوری، سه‌شنبه دوم آذر ۱۴۰۰ ...»

حمید نوری ادعا کرد که: «من باید سخت‌ترین کار ممکن را در این‌جا انجام دهم. در ایران می‌گویند کار معدن سخت‌ترین کار دنیاست. ایرانی‌ها این موضوع را طنز کرده‌اند و همه می‌گویند پس از کار معدن کارشان سخت‌ترین کار است. نمی‌دانم در سویدن هم این را می‌گویند یا نه، اما کار من بسیار سخت است چون باید در طول چهار روز به اتهامات ۳۳ سال علیه خودم و ملت ایران پاسخ بدهم. من را دو سال در سخت‌ترین شرایط در سلول انفرادی نگه

داشته‌اند و در رسانه‌های سراسر جهان و شبکه‌های اجتماعی علیه من حرف زدند. در این چهار ماه علیه من چه کردند؟ ۸۵ نفر آمده‌اند علیه من شهادت دادند که من درباره آن‌ها حرف خواهم زد. ... من این نمایشنامه را که در طول ۳۳ سال نوشته شده در دو دقیقه به هوا می‌فرستم...»

نوری در ادامه گفت: «خانم دادستان ۲۳ نفر را از این پرونده بیرون گذاشته‌اند که پیروزی من با آن ۲۳ نفر است. من آن ۲۳ را به دادگاه می‌کشم. آن ۲۳ نفر علیه این ۶۲ نفر شهادت داده‌اند و من شهادت آن‌ها را می‌خواهم...» او گفت که در ۴ روز باید به ۳۳ سال جعل تاریخی پاسخ بدهد و کار بسیار سختی برعهده دارد. حمید نوری بار دیگر از رئیس دادگاه به دلیل اداره خوب جریان دادگاه تشکر کرد و گفت که دو سال بسیار سخت را پشت سر گذاشته و وقت برای دفاع می‌خواهد. او سپس گفت که ایرانیان با ضرب‌المثل حرف می‌زنند، آدم‌های عجیبی هستند و خودش هم آدم عجیبی است: «من در دفاعم از ضرب‌المثل‌های ایرانی استفاده کردم و البته معنی آن‌ها را هم خواهم گفت. این را هم بگویم که من نماینده نظام مقدس جمهوری اسلامی و مردم شریف ایران نیستم اما چون به حمید عباسی، حمید نوری در زمان کار در زندان اوین حمله شده، به شخصیت حقوقی او حمله شده، پس من باید از شخصیت حقوقی او در نظام مقدس جمهوری اسلامی دفاع کنم. من باید از همکاران عزیز و شریفم در زندان اوین دفاع کنم...»

نوری بع دادگاه وعده داد حرف‌هایی خواهد زد که تا الان گفته نشده و رازهایی را خواهد گفت که تا الان به زبان نیامده‌اند: «این حرف‌ها کسانی را خوشحال و کسانی را ناراحت خواهد کرد که من برای آنان که ناراحت می‌شوند کاری نمی‌توانم بکنم. ضرب‌المثل معروفی داریم که چون بی‌ادبانه است نمی‌توانم بگویم اما من در این دادگاه غوغا خواهم کرد و کاری خواهم کرد که پرونده این حرف‌ها پس از ۳۳ سال برای همیشه بسته شود ... در این دادگاه به برخی شخصیت‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی توهین شد و خیلی به من سخت گذشت. به من کلی توهین شد. گفتند وحشی و آدم‌کشم و ... درباره دماغ من کلی حرف زدند. الان همه درباره بینی من صحبت می‌کنند و من از کسانی که درباره بینی من صحبت کردند شکایت می‌کنم اما شایسته نبود به کسانی که در این‌جا نیستند جسارت شود. من ناراحتم که در این موارد تذکر دادم البته شما هم به عنوان رئیس دادگاه به وقت مناسب تذکر دادید و برخورد کردید.»

نوری در ادامه از توهین به روح‌الله خمینی، ابراهیم رئیسی، قاسم سلیمانی و اسدالله لاجوردی گفت و تاکید کرد که این توهین‌ها حالش را بد کرده است: «من در طول دفاعیه‌ام از کسانی که این توهین‌ها را کردند صحبت می‌کنم. این دادگاه تنها صحبت‌های مخالفان نظام مقدس جمهوری اسلامی را شنیده و حالا لازم است که حرف‌های «حاج حمید نوری» هم شنیده شود.»

او صحبت‌ها و شهادت‌های افراد در دادگاه را دروغ خواند و گفت که به دفاع او از خودش کمک کرده‌اند. نوری گفت که به وکیلانش گفته است نگران نباشند چون ایرانی‌ها در دروغ گفتن از هم سبقت می‌گیرند.

حمید نوری: قسمت اعظم دفاع نوری در این دادگاه در طول چهار ماه گذشته اتفاق افتاد. با سؤال‌هایی که دادستان‌ها، وکیلان و شخص شما (قاضی) پرسیدید خیلی چیزها مشخص شد و در همه این‌ها یک نفر کمک کرد که برای این‌که ذهن‌تان درگیر نشود زود می‌گویم آن یک نفر که بود: خدا!

نوری در ادامه اجلاس دادگاه گفت: «الان دفاعیه من شروع می‌شود که حمید نوری تو که هستی؟ البته دادستان‌ها مواردی را گفتند و در پرونده‌ها هم هست اما حالا خوب است که حمید نوری را از زبان حمید نوری بشنوید. چه‌قدر من خوشحالم که بعد از ۳۳ سال صحبت می‌کنم من حمید نوری هستم. ۶۱ ساله، ایرانی، شیعه. متولد بهترین سال ایرانی: اردیبهشت. یک پسر و یک دختر دارم. ... اسم همسرم اکرم است؛ ناراحت نشود ... همه زندگی من بهار است. بهار دختر دختر من است...»

نوری در ادامه دیگر اعضای خانواده‌اش را معرفی کرد و گفت که خانواده‌ای هفت نفری دارد. (با نوه‌هایش) حمید نوری در ادامه به کشته شدن برادرش محمدرضا (بیژن) در جنگ ایران و عراق اشاره و سازمان مجاهدین خلق را متهم کرد که در زمان جنگ به عراق اطلاعات می‌داده: «در این خصوص مفصل صحبت خواهم کرد.»

تنفس...

پس از پایان تنفس، نوری به ادامه روایت خود از روزهای اول انقلاب و جنگ پرداخت و گفت که سربازی‌اش را پیش از آغاز جنگ در کردستان آغاز کرده است و وقتی در سنندج بوده، جنگ شروع شده است. او مدعی شد که پس از انقلاب، «گروه‌های ضدانقلاب» به مردم کردستان حمله می‌کرده‌اند.

حمید نوری روایتی حکومتی از وقایع کردستان ارائه کرد و گفت که پس از پایان سربازی‌اش در خرداد ۶۱، دو ماه اضافه در منطقه مانده تا با «گروه‌ها» و رژیم بعث صدام مبارزه کند.

حمید نوری در ادامه گفت که پس از برگشتن از سربازی برای استخدام شدن در «دادستانی انقلاب اسلامی تهران» درخواست داده اما پیش از استخدام به جبهه رفته و در عملیات «الفجر یک» شرکت داشته است: «بعد که برگشتم گفتند که گزینش با استخدام شما موافقت کرده و من ۱۸ اسفند ۱۳۶۱ به استخدام دادستانی انقلاب اسلامی تهران درآمدم. آن زمان خیلی بچه بودم و هنوز ریش درنیآورده بودم. مدام ریشم را تیغ می‌کشیدم تا ریش دربیآورم. ... همان روز اول من را فرستادند به بند و گفتند نگهبان باش. من را آموزش می‌دادند. من رفتم به بند یک آموزشگاه زندان اوین و نگهبان شدم. گفتند که اگر خواستی یک اسم هم برای خودت انتخاب کن! من گفتم حضرت عباس را خیلی دوست دارم. به من بگوئید عباس. خلاصه رفتم توی یک بند بسته که ۱۳ اتاق داشت. این‌جا شاکی‌ها اطلاعات غلط دادند. ۳۰۰ زندانی آن‌جا بود و من اسامی تکتک افراد را حفظ بودم. ... اولین اتاق آموزشگاه اتاق ۲۳ بود و از ۲۳ تا ۲۹ سمت راست بودند. بعد در سمت چپ اتاق ۳۰ و اتاق آخر. این دو اتاق بهداری بودند. ... من این‌ها را به دلیل می‌گویم و با پرونده در ارتباط است، فقط حوصله می‌خواهد.»

حمید نوری در ادامه جزئیات دیگری از بند ارائه کرد و گفت: «... در بند که ما کار می‌کردیم به ما می‌گفتند نگهبان بند. بگذارید من الفاظ دقیقش را بگویم. هم بند می‌گفتند هم سالون اما هیچ‌کس نمی‌گفت بند، همه می‌گفتند سالون. شش سالون بود، سه تا این‌طرف و سه تا آن‌طرف. کلش را می‌گفتند بند. اما در زندان به نگهبان‌ها می‌گفتند پاسدار که یک احترامی داشت. هیچ‌کس نمی‌گفت نگهبان. همه می‌گفتند پاسدار اما این پاسدار با آن پاسدار انقلاب اسلامی فرق می‌کند. هیچ‌کس تا به حال این اطلاعات دقیق را نداده. پس این پاسدارهای زندان با پاسدارهای سپاه انقلاب اسلامی فرق می‌کند. کار من چه بود؟ من نگهبان همین سالون بودم... و با همه زندانیان دوست و رفیق بودم.»

حمید نوری در ادامه جزئیات بیشتری از برنامه کارش در زندان اوین ارائه کرد و گفت داستان‌های جالبی از این دوره کارش دارد که تعریف کند: «خدا کند کسی از من در این مورد سؤال کند تا من بتوانم صحبت‌های جالب و قشنگم را مطرح کنم. من سال ۶۲ پاسدار آموزشگاه یک بودم اما در کتاب سازمان آمده که من نگهبان سالون پنج بودم. رئیس ما در بند آموزشگاه، محمدحسین حسین‌زاده موحد بود که شنیدم سال گذشته فوت کرد. روحش شاد! ... بعد من حدود تابستان سال ۱۳۶۳ به قسمت حسابداری و امور مالی زندان اوین رفتم. هیچ‌چیزی از حسابداری نمی‌دانستم اما آدم فوق‌العاده باهوشی بودم. ظرف یک سال به یک حسابدار خبره تبدیل شدم. حدود یک سال و خرده‌ای آن‌جا بودم. بعد جایم در سال ۶۳ عوض شد. همین سال ازدواج کردم با همین خانمی که این‌جا نشسته. من رفتم به دایاری زندان. هیچ‌کس هنوز درباره دایاری زندان دقیق توضیح نداده و من مجبورم دقیق توضیح بدهم تا همه مطلع شوند: یک بخشی هست در زندان اوین و همه زندان‌ها به نام دایاری. در این دایاری یک قاضی مستقر است که به او می‌گویند قاضی

ناظر زندان. دادیار(قاضی) زندان اوین در آن زمان حسن حداد بود با نام واقعی حسن زارع دهنوی. شانس من در این دو سال که من اینجا بودم او هم در اثر کرونا فوت کرد. روحش شاد! رئیس من در بخش مالی را یادم رفت اسمش را بگویم: حاج آقا جواهریان که او هم فوت کرده است ... اما کار دادیاری زندان چه بود؟ رسیدگی به امور زندانیانی که محکوم شده‌اند. در زندان دو جور زندانی بود، کسانی که محکوم شده بودند و کسانی که محکوم نشده بودند. دادیاری فقط به امور زندانیان محکوم شده مثل امور مالی، مرخصی، وکالت‌نامه برای خانواده و ... رسیدگی می‌کرد. همین‌طور به شکایت احتمالی زندانی از توهین یک پاسدار یا خدای‌نکرده کتک خوردنش. ... ما آن‌جا ۱۰ نفر بودیم، رئیس ما آقای حداد تقسیم کار کرده بود و هر کاری را که برای من می‌نوشت به بهترین شکل انجام می‌دادم. خیلی خوش‌رو و خوش‌برخورد بود، خیلی خوش‌تیپ بودم و کارها را به بهترین شکل انجام می‌دادم. در زندان اوین هم خانم‌ها زندانی بودند و هم آقایان. معمولاً نامه‌های خانم‌ها را به من می‌دادند برای رسیدگی. یادم رفت بگویم که من اینجا در دادیاری گفتم به من بگوئید عباسی...»

حمید نوری در ادامه گفت گرچه باید تا ساعت چهار کار می‌کرده اما همسرش شاهد است که هیچ‌وقت زودتر از ساعت هفت شب به خانه برنگشته. او همچنین گفت که اطلاق دادیار به کارمندان دادیاری ممکن نبوده و اگر کسی این کار را می‌کرده، توبیخ می‌شده. حمید نوری در ادامه گفت که در سال ۷۰ استعفا داده و یک کارخانه شن و ماسه زده. او گفت که پدرش را در ۴۵ سالگی از دست داده و سه خواهر کوچک داشته که باید خرج آنان را هم می‌داده: «رئیس من با استعفای من موافقت نکرد چون من کارهایم را خیلی خوب انجام می‌دادم. گفت بیا دو روز در هفته کارهای خودت را بکن. من با زندانی‌ها خیلی انس گرفته بودم و همه من را دوست داشتند. رئیس من در این وقت حاج‌آقای شیخ‌پور بود که امیدوارم از دست من ناراحت نشود.(از این‌که اسمش را گفته) او در ادامه گفت: «البته من در سال ۶۹ استعفا دادم و آن زمان رئیس من حاج آقا ناصریان(محمد مقیسه) بود.»

حمید نوری در ادامه گفت که کارهایش را به خوبی و درستی انجام می‌داده و در یک نوروز ۵۰۰ زندانی را با اجازه و امضای نهائی رئیس‌اش به مرخصی فرستاده است: «من هزاران زندانی را به مرخصی فرستادم و در طول زمان کار من نه کسی فرار کرد نه کسی غیبت کرد. از زندانی‌هایی که از من مکرر مرخصی گرفتند الان در همین سالون هست. حمید عباسی بشکند دستت که نمک ندارد.»

حمید نوری در ادامه گفت: «البته من وظیفه‌ام را انجام می‌دادم. در نهایت در سال ۷۲، ۷۳ کلاً از کار زندان جدا شدم. بعد وضع خیلی خوب شد. هر شب با یک کیف سامسونت پر از پول به خانه برمی‌گشتم. دخترم که نمی‌دانست آن پول‌ها اسکناس است می‌گفت که آه! بابا باز با این کاغذها آمد. من هر سه خواهرم را به خانه بخت فرستادم و در کار خیر پیش‌قدم بودم ...»

او خود را فردی خوش‌مشرّب معرفی کرد و گفت که بر همین اساس پس از آزادی با هیأت رئیسه دادگاه در ارتباط خواهد بود.

او خواست به توضیح درباره دلیل حضورش در سویدن بپردازد که رئیس دادگاه از او خواست روایتش را در جلسه بعدازظهر و پس از صرف ناهار ادامه دهد. حمید نوری در پاسخ گفت: «رئیس ما شمائید!» دادگاه برای صرف ناهار تعطیل شد.

وقت ناهار

در جلسه عصر دادگاه، حمید نوری درباره سفر به سویدن و بازداشتش در این کشور توضیح داد و همچنین از روند بازجویی‌ها انتقاد کرد.

او گفت به خاطر ارتباطاتی که داشته است با خانواده محترمی آشنا شد که پدر این خانواده به گفته او فوت کرده و مادر فوق‌العاده متدینی داشتند و چهار دختر این خانواده او را حاجی یا پدر صدا می‌کردند.

حمید نوری از «هیرش صادقی» نام برد که با یکی از این دختران ازدواج کرده و بعد از طریق ارتباط گرفتن با ایرج مصداقی باعث بازداشت او در سویدن شدند.

او گفت که اصلاً یک درصد هم فکر این اتفاق را نمی‌کرد.

نوری مدعی شد که «دادگاه‌های ایران جدا از دادگاه‌های سویدن هستند. آن‌جا می‌گویند حرف بزن، این‌جا می‌گویند حرف نزن. من به سبک ایران جواب می‌دادم و تا سه ماه به من توضیح ندادند که تو می‌توانی سکوت کنی و حرف نزنی. آئین دادرسی خود سیستم قضائی سویدن را درباره من رعایت نکردند.»

به گفته او، «پولیس سویدن عادلانه بازجویی نکرد.» او در عین حال اسامی ۱۴ پولیسی که از او بازجویی کرده‌اند را در دادگاه خواند و از آن‌ها تشکر کرد.

او همچنین گفت که قوانین سویدن در مورد بازجویی برای او اجرا نشده است و بازجوها او را راهنمایی نکردند که نباید «برخی نام‌ها» را بگوید.

او در بخش دیگری از دفاعیات خود با اشاره به «ترورهای دهه ۶۰»، سازمان مجاهدین خلق را با «داعش» مقایسه کرد و گفت که «داعش فرزندان نامشروع همین سازمان است.»

این اظهارات با اعتراض وکیل سازمان مجاهدین خلق مواجه شد و قاضی دادگاه هم به نوری تذکر داد که توهین نکند و کلامی نگوید که برای طرف مقابل، اهانت باشد.

قاضی همچنین از حمید نوری که سازمان مجاهدین خلق را «گروهک منافقین» خطاب می‌کرد، خواست که از اسم خود سازمان مجاهدین استفاده کند.

...

لازم به یادآوری است که دادستان حمید نوری را برای شکنجه، رفتار غیرانسانی، و اعدام زندانیان در رابطه با زندانیان مجاهد، به ارتکاب جنایت جنگی در نقض ماده ۱۴۷ کنوانسیون چهارم ژنو و نقض شدید ماده مشترک سه آن، متهم کرده است. در مورد زندانیان احزاب چپ نیز نوری متهم به مشارکت در قتل عمد شده است. دادستان میزان مسؤولیت نوری را همراهی و مشارکت با متهمان دیگر در جریان یک دادرسی غیرعادلانه و اجرای احکام اعدام صادر شده از سوی هیأت مرگ تعیین کرده است.

کیفرخواست دادستانی سویدن شامل اسامی ۱۱۰ نفر از زندانیان مجاهد و ۲۶ نفر از زندانیان وابسته به احزاب چپ است که در تابستان ۶۷ در زندان گوهردشت اعدام شده‌اند. همچنین اسامی ۲۳ زندانی طرفدار مجاهدین در آن دیده می‌شود که از این کشتار جان سالم بدر برده‌اند و به‌عنوان شاکی در این پرونده شرکت دارند. اسامی ۶ تن از اعضای خانواده‌های اعدام‌شدگان مجاهد و ۷ تن از اعضای خانواده‌های اعدام‌شدگان نیروهای چپ نیز به‌عنوان شاکی در کیفرخواست آمده است.

در بخش دیگری از این کیفرخواست اسامی افرادی وجود دارد که به‌عنوان شاهد درباره مشاهدات خود از مشارکت حمید نوری در شکنجه و اعدام زندانیانی که اسامی آن‌ها در کیفرخواست آمده شهادت خواهند داد. شهادت‌های شاهدان موجود در کیفرخواست نشان می‌دهد که حمید نوری از افراد اصلی در زندان گوهردشت بوده که کار نظارت بر انتخاب زندانیان و هدایت‌شان به راهرو و هیأت مرگ و بعد مشارکت در اعدام آن‌ها را برعهده داشته است.

همچنین در کیفرخواست اسامی هفت کارشناس دیده می‌شود که به‌طور تخصصی شهادت می‌دهند. یکی از وظایف آن‌ها این است که مشخص کنند که آیا درگیری مجاهدین و حکومت ایران درگیری نظامی داخلی بوده یا بین‌المللی. آن‌ها درباره فتوا یا حکم آیت‌الله خمینی هم نظر خواهند داد.

برخی از آن‌ها به این سؤال پاسخ می‌دهند که آیا زندانیان سازمان مجاهدین تحت حمایت کنوانسیون چهارم ژنو و برخی ملحقات آن قرار می‌گرفته‌اند یا خیر. از ۳۶ شاکی پرونده ۳۲ نفر را وکلای تسخیری (پوران یارمالشون، بنگت هسلبری، گیتا هدینگ) و ۴ تن را یک وکیل خصوصی (کنت لویس) نمایندگی می‌کند.

دانیل مارکوس و توماس سودرکوئیست دو وکیل دادگستری مدافع حمید نوری در این دادگاه هستند.

از ۳۶ شاکی پرونده، تاکنون ۳۵ تن در دادگاه علیه او شهادت داده‌اند. شاکیان از جان بدربرندگان اعدام‌های تابستان ۶۷ گرفته یا از اعضای خانواده جان‌باختگان هستند.

این نخستین باری است که یکی از اعضای هیات مرگ کشتارهای سال ۱۳۶۷ در خارج از مرزهای ایران بازداشت و دادگاهی شده است.

هیات قضات از ۶ نفر تشکیل شده که دو تن از آن‌ها حقوق دان و بقیه شهروندان عادی هستند. ۳۵ شاکی که توسط ۴ وکیل مشاور نمایندگی می‌شوند در کنار دو دادستان یک طرف این دعوی هستند. متهم نیز توسط دو وکیل مدافع نمایندگی میشود.

این پرونده طبق اصل صلاحیت قضائی جهانی در سویدن گشوده شده است. اصل صلاحیت قضائی جهانی به دادگاه‌های داخلی کشورها اجازه می‌دهد که بدون توجه به این‌که جرم در چه کشوری رخ داده و بدون در نظر گرفتن ملیت مظنون و قربانی، مظنون را در دادگاه‌های داخلی تحت پیگرد قرار بدهند.

تا کنون پنج پرونده مشابه پرونده نوری که شاکیان متعددی داشته‌اند در دادگاه‌های سویدن مورد پیگرد قرار گرفته‌اند.

متهمین از کشورهای بالکان و روماندا بوده‌اند. در یک مورد متهم حکم ۸ سال زندان گرفته است و از چهار موردی که متهمین حکم حبس ابد گرفته‌اند یک مورد در دادگاه فرجام لغو شده است. پنج پرونده دیگر نیز که شاکی خصوصی نداشته‌اند مربوط به جنایات جنگی در عراق و سوریه بوده‌اند.

در قوانین کیفری سویدن حد اکثر مجازات برای جنایت جنگی فاحش و قتل عمد حبس ابد است.

ابراهیم رئیسی در یک کنفرانس خبری پس از انتخابش به عنوان رئیس جمهور جدید جمهوری اسلامی ایران با کمال وقاحت گفته بود که بابت این اعدام «باید تشویق» هم بشود.

نوری از اتهامات مطرح شده علیه ابراهیم رئیسی انتقاد کرده و گفته او «منتخب ملت ایران است.»

نوری گفت که در طول جلسات دادگاه تاکنون به اسدالله لاجوردی «دادستان عزیز ایران توهین شد.»

روح‌الله خمینی، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، در تابستان سال ۶۷ فتوای اعدام بسیاری از اعضای سازمان مجاهدین خلق و گروه‌های سیاسی چپ را صادر کرد. به گفته خانواده‌های قربانیان، زندانیانی که در جلسات بسیار کوتاه دادگاه به اسلام و جمهوری اسلامی اعلام وفاداری نکردند، اعدام شدند.

رقم دقیق اعدام‌ها به‌طور دقیق مشخص نشده، ولی برخی سازمان‌های مختلف سیاسی و مدافع حقوق بشر رقم آن را پنج تا سی هزار نفر اعلام کرده‌اند.